

به پیش!

اتحاد سوسیالیستی کارگری

www.wsu-iran.org

شماره ۷۸، جمعه ۸ دی ۱۳۹۱، ۲۸ دسامبر ۲۰۱۲

دستگیری فعالین کارگری در اوضاع متحول کنونی

صفحه ۵

رضا مقدم

رژیم اسلامی گروگان آمریکا در شورای امنیت

رضا مقدم، ۲۵ دسامبر ۲۰۱۲



رژیم اسلامی در تله گرفتار شده است. برای رژیم اسلامی بردی وجود ندارد چه در تله مقاومت کند و چه راه مذاکره را بر گزیند. با آنکه هم آمریکا و هم چهره های شاخص حامی خامنه ای وجود گفتگوهای مقدماتی برای برگزاری مذاکره مستقیم با آمریکا را رد نمی کنند اما کماکان و بطور رسمی خامنه ای و سپاه راه برون رفت را مقاومت می دانند و رفسنجانی به همراهی اصلاح طلبان راه نجات را مذاکره، سازش و تسلیم تا به آخر. رفسنجانی در ۱۶ آبان (ششم نوامبر) ۹۱ در دیدار با اصلاح طلبان عمق گرفتاری رژیم اسلامی را به آنها یادآوری کرده است: "اگر قرار باشد زمانی تحریم ها برداشته شود؛ همان حق و تو بر لغو تحریم ها سایه خواهد انداخت و جریان استکباری بدنبال مطالبات و منافع بیشتری از لغو تحریم ها خواهد بود." (خبرگزاری مهر)

زنان و مبارزه طبقاتی

پروانه وزیری، ۲۷ نوامبر ۲۰۱۲

با برقراری مالکیت خصوصی نظام پدر سالار و مردسالار نیز پایه های خود را در جامعه محکم کرد. یکی از مهمترین علل مردسالاری، مالکیت بروسایل تولید است که عنصر اصلی ثروت و قدرت را تحت کنترل خود گرفته است. مالکین بروسایل تولید در کشورهای سرمایه داری که بیشتر مردان هستند بیشترین ثروت جامعه را نیز تحت کنترل خود دارند و بهمین جهت روابط اجتماعی مردسالارانه بر تمام کشورها با اختلافاتی حاکم است و به تبع آن زنان با آنکه در تولید ثروت نقش بسزایی دارند اما سهم آنان از تولید بسیار ناچیز است. براساس گزارش سازمان ملل، زنان دو سوم کارهای جهان را انجام میدهند که فقط ۱۰ درصد از درآمد حاصل از آن را زنان بدست می آورند و صاحب ۱ درصد از ابزار تولید اند.

برخلاف جرج بوش (پسر) اوباما کوشید تا اروپا و دیگر کشورهای موثر در سیاست جهانی را علیه رژیم اسلامی متحد کند و ۴ قطعنامه ای که علیه رژیم اسلامی در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید، حاصل آن بود. این ۴ قطعنامه با وجود تهدیدات روسیه و چین برای استفاده از حق و تو به تصویب رسید زیرا هم متن قطعنامه ها تا حدی تعدیل شد و هم آمریکا به آنها امتیازاتی داد. رفسنجانی در دیدار با اصلاح طلبان گوشزد کرده که عقب نشینی رژیم اسلامی و پذیرش مذاکره به این سادگی که اصلاح طلبان می پندارند نیست و روند تصویب قطعنامه ها در شورای امنیت کاملاً برعکس خواهد شد. یعنی در مورد لغو قطعنامه ها این بار آمریکا و فرانسه و انگلستان خواهند بود که برای استفاده از حق و توی خود تهدید خواهند کرد و خواهان امتیازات بیشتری خواهند شد. به عبارت دیگر رفسنجانی به اصلاح طلبان گفته که اگر راه مذاکره را انتخاب کرده اند باید بدانند حد و حدود عقب نشینی تا کجاست و تحریمها بدون رضایت کامل آمریکا و فرانسه و انگلستان و دستیابی آنها به خواستههایشان و تسلیم رژیم اسلامی لغو نخواهد شد. با آنکه از میان جناحهای اصلی در جمهوری اسلامی هیچکدام (بجز گروههای

در تابستان ۸۸ عناد می ورزد(۱)، اما این مبارزات که سرعت پوسته اولیه اش را کنار زد و به نفی دیکتاتوری و ستون فقرات رژیم اسلامی یعنی ولایت فقیه رسید سرنوشت رژیم اسلامی را تغییر داد و عقبه زمان را علیه عمر این رژیم چرخاند. اگر برقراری رابطه با آمریکا پس از انتخاب مجدد احمدی نژاد برای رژیم اسلامی برد محسوب میشد، اکنون و از سرگیری آن پس از ۴ سال وقفه ای که بدلیل مبارزات مردم ایران افتاد، یک باخت بزرگ برای رژیم اسلامی است. مبارزات ضد دیکتاتوری مردم ایران در سال ۸۸ نقاب چهره رژیم اسلامی را نزد مردم جهان و بویژه منطقه خاور میانه، که این رژیم می کوشید قدرت اول آن باشد، کنار زد و رسوا کرد. این بنیان رویگردانی کلیه اعتراضات در کشورهای شمال آفریقا و خاور میانه از الگوی رژیم اسلامی بود. آنچه که "بهار عرب" نامیده میشد رژیم اسلامی را در منطقه منزوی کرد و این یک ضربه مرگبار به قصد تسلط رژیم اسلامی بر منطقه خاور میانه بود. در همین روند رژیم سوریه، متحد استراتژیک رژیم اسلامی، نفس های آخر را می کشد و شاید تا آغاز مذاکرات احتمالی با آمریکا به تاریخ پیوسته باشد. حماس متحد دیگر رژیم اسلامی به مخالفان رژیم اسلامی پیوسته و علیه رژیم بشار اسد است و آغاز اعمال انواع و اقسام محدودیت ها علیه حزب اله لبنان در نوبت است. حماس و حزب اله و سوریه حدود چهار سال قبل می توانستند از برگهای برنده و از نقاط قوت رژیم اسلامی در مذاکرات با آمریکا بر سر حد و حدود قدرت این رژیم در منطقه باشند و اکنون نیستند.

از نظر داخلی، با مبارزات مردم ایران رژیم اسلامی دچار یک بحران حکومتی حاد شده است. نفوذ کلام خامنه

را تشدید و کل رژیم اسلامی را در مقابل مبارزات مردم ضربه پذیر می کند.

بعلاوه، این دیگر دانسته عمومی است که در نامه های رد و بدل شده اوباما و خامنه ای قرار بوده رژیم اسلامی و آمریکا با هم مذاکره کنند و مناسباتشان را بهبود دهند. منتها خامنه ای و سپاه آغاز بده بستن های خود با آمریکا را به بعد از انتخابات ریاست جمهوری و بیرون آوردن نام احمدی نژاد از صندوقها برای بار دوم، و بیرون ریختن قدیمی ترین یاران خمینی از قایق نظام موکول می کنند. در طرح سپاه و خامنه ای باید حدود سیصد نفر از سران اصلاح طلب دستگیر و زندانی می شدند. با آغاز دستگیریهای پس از انتخابات فاش شد که حکم بازداشت اصلاح طلبان دولتی تاریخ قبل از روز انتخابات را داشته است. سپاه و خامنه ای می پنداشتند که با بهبود رابطه با آمریکا و گشایشهای اقتصادی و سیاسی ناشی از آن هزینه حذف رفسنجانی و اصلاح طلبان چندان نخواهد بود. اما مبارزات میلیونی مردم ایران علیه رژیم اسلامی تمام طرحهای خامنه ای و سپاه را به باد داد. برخلاف اروپا و اکنش اوباما به مبارزات مردم ایران بسیار دیر هنگام بود. چرا که سیاستهای اوباما در قبال رژیم اسلامی را در همان مدار جمهوریخواهان قرار می داد که مخالفت با آن سیاستها یکی از ارکان انتقادات اوباما به جرج بوش بود. اوباما آمده بود تا دستش را برای مذاکره با رژیم اسلامی دراز کند و خامنه ای و سپاه هم می خواستند تا پیروزی در سیاست خارجی را با یک پیروزی داخلی که قلع و قمع رفسنجانی و اصلاح طلبان و بستن هر روزنه ای برای انتقاد و اعتراض بود، توأم کنند که اعتراضات مردم آنرا عقیم کرد.

اگر چه شعبه خانوادگی حزب حکمتیست هنوز با خیره سری با مبارزات مردم ایران

رژیم اسلامی گروگان آمریکا در شورای امنیت

کوچک کم قدرت اما پر سر و صدا) مخالف رابطه با آمریکا و برقراری مناسباتی عادی با آن نبوده اند اما در تمام این سالها موضوع رابطه با آمریکا یکی از موارد اختلاف بین جناحهاست. برای همه جناحها محرز است که رابطه با آمریکا چه گشایشهای اقتصادی و سیاسی برای رژیم اسلامی دارد و هر جناحی کوشیده تا حل معضل رابطه رژیم اسلامی و آمریکا بنام خودش ثبت شود. تلاشهای ناموفق خاتمی برای بهبود رابطه با آمریکا که با واکنش مثبت کلینتون و وزیر خارجه اش اولبرایت روبرو شد از این زمره است. در زمان بوش هم اروپا که در تمام سالهای پس از انقلاب با استفاده از فرصت عدم حضور آمریکا در بازارهای ایران بیشترین قراردادهای اقتصادی را با ایران داشت، حاضر نبود عصای دست آمریکا برای رفع مشکلاتش با رژیم اسلامی شود. در آنزمان اروپا قدرت رژیم اسلامی را در منطقه برسمیت می شناخت و در قبال تعلیق غنی سازی حاضر شدند ایران را شریک ممتاز اقتصادی خود بدانند و راه عضویتش در سازمان تجارت جهانی را تسهیل کنند. جناحهای رژیم از این فرصت سوزیها که بدست خامنه ای انجام شده و رژیم اسلامی را در موقعیت فعلی انداخته کاملاً مطلع هستند و تشخیص وی را در حفظ منافع رژیم اسلامی و حفظ خود نظام قابل اتکا نمی دانند. بدلیل قدرت حقیقی و حقوقی که خامنه ای و سپاه در رژیم اسلامی دارند، تضعیف موقعیت آنها و کاهش نفوذ کلامشان در میان جناحها، بحران حکومتی

سردبیر
سودابه مهاجر

bepesh@gmail.com

به پیش!

شورای نویسندگان
ایرج آفرین، احمد شقاقی، رضا مقدم



رژیم اسلامی گروگان آمریکا در شورای امنیت

ای در میان جناحهای حکومتی عملا از دست رفته و مثلا هشدارهایش برای اجتناب سران قوا از علنی کردن اختلافاتشان عملا کارایی خود را از دست داده است. ایران در یک بحران عمیق اقتصادی بسر می برد و نارضایتی و تنفر از رژیم، کشور را در آستانه یک انفجار مدیون ارباب، اختناق، دستگیری، شکنجه و کشتن مخالفان است که چالش همین حربه هم از زندانها آغاز شده است. با اعتصاب غذاها که اکنون رضا شهبازی در آن بسر می برد و با به هیچ گرفتن شکنجه ها توسط ستار بهشتی که شکنجه گران را به ریشخند گرفت و آدمکشان اسلام این کارگر شجاع و آزاده را کشتند.

بحران اقتصادی را تحریمهای بین المللی و تحریمهای جداگانه آمریکا و اروپا تشدید کرده است. هیچ راه برون رفتی از بحران اقتصادی موجود متصور نیست مگر تحریمها کاهش یابد و لغو شود. ادامه وضع موجود با سقوط اقتصادی همراه است و اگر در دل بحران عمیق حکومتی با بروز اعتراضات مردمی و کارگری علیه فقر و گرسنگی و همچنین با سرایت تحرکات اخیر کارگری برای افزایش دستمزدها به مراکز بزرگ کارگری و آنها با توسل به تجمع و اعتصاب توام گردد کل حیات رژیم اسلامی را دچار مخاطره می کند. برای کاهش تحریمها هم رژیم اسلامی باید بهای گزافی بدهد و به خواستههای اروپا و آمریکا در منطقه خاور میانه گردن گذارد که معنایی جز صحنه گذاشتن بر شکست سیاستهای خامنه ای در بین جناحهای رژیم ندارد. به عبارت دیگر قبول مذاکره با آمریکا و کاسته شدن شدت تحریمها و تأثیرش در اوضاع اقتصادی در همان

اولین گام خامنه ای و سیاستهایش را در بین جناحهای رژیم بی اعتبار می کند.

از نظر رفسنجانی و اصلاح طلبان ادامه وضع موجود شانسی برای بقای رژیم اسلامی باقی نمی گذارد و لذا راه مذاکره و سازش با آمریکا را برای ادامه حیات رژیم مناسب می دانند. اینها پیشاپیش اعلام کرده اند که با مذاکره رژیم اسلامی و آمریکا موافق هستند و در این روند معضلی برای خامنه ای و سپاه ایجاد نمی کنند. با تضمین رفسنجانی و اصلاح طلبان برای حمایت از مذاکره با آمریکا در واقع خامنه ای و سپاه باید بتوانند گروههای افراطی را که همواره مشوق و از هر نظر یاری دهنده شان بوده اند را خنثی کنند که این کار ساده ای نیست. در میان مدافعان رژیم اسلامی، خامنه ای همان موقعیت خمینی را ندارد که توانست با یک سخنرانی ماشین جنگی "جنگ جنگ تا پیروزی" و "راه قدس از کربلا می گذرد" را خاموش کند. خامنه ای علیه مذاکره و رابطه با آمریکا را از جمله "بی غیرتی" دانسته است. اگر خمینی برای پایان جنگ "جام زهر نوشید" آیا خامنه ای باید "جام بی غیرتی" بنوشد؟ رژیم اسلامی در میان مردم موقعیتی شکننده دارد، در جهان و منطقه خاورمیانه هیچگاه چنین ضعیف و منزوی نبوده و بحران حکومتی آن حاد است. زمان علیه رژیم اسلامی است و در مذاکره با آمریکا هیچ شانس موفقیت و قدرت چانه زنی ندارد. ادامه وضع موجود هیچ چشم اندازی حتی برای تخفیفی اندک در عواقب بحران اقتصادی در زندگی کارگران و تهیدستان ندارد. پذیرش خواستههای آمریکا و اروپا در مذاکرات، رژیم اسلامی را به یک قدرت دست چنم در منطقه خاور میانه تبدیل می کند و این خود امکاناتش برای حل بحران اقتصادی را کاهش می دهد. رژیم اسلامی نه در مقاومت و نه در تسلیم چشم انداز روشنی ندارد. در میان جناحهای رژیم اسلامی، خامنه ای و سپاه بازنده اصلی در مذاکرات با آمریکا هستند. تلاش اصلاح طلبان و رفسنجانی برای

ناچار ساختن خامنه ای و سپاه به مذاکره با آمریکا تضعیف اینهاست به این امید که بتوانند رژیم اسلامی را از این تله مرگبار نجات دهند.

زیرنویس:

۱ - پس از جدایی برادران و خواهران مدرسی از حزب حکمتیست که همسرانشان و تعدادی از دوستانشان هم آنها همراه کردند و می توان آنها شعبه خانوادگی حزب حکمتیست نامید، حزب اتحاد کمونیسم کارگری خود را منحل کرد و به شعبه دیگر حزب حکمتیست پیوست. بمنظور تسهیل و سرعت بخشیدن به این امر این دو حزب به توافقی رسیده اند بدین معنا که هیچکدام مسئولیتی در قبال مواضع سیاسی گذشته هم ندارند. مقالاتی که این دو حزب علیه هم نوشته اند بر این دلالت دارد که در بسیاری موارد با هم اختلافات جدی سیاسی و نظری داشته اند که یکی از آنها اعتراضات مردم ایران علیه دیکتاتوری در سال ۸۸ است. در انتقاد به سیاستهای حزب حکمتیست در قبال مبارزات مردم ایران در سال ۸۸، شعبه خانوادگی حزب حکمتیست طبعاً همچنان به مخالفتش با مبارزات مردم ادامه می دهد و با تناقضی روبرو نیست. سؤال این است شعبه دیگر حزب حکمتیست که اکنون فعالین حزب اتحاد کمونیسم کارگری را هم با خود دارد چه واکنشی نشان می دهند؟ آیا این حزب در نشریات خود با اتکا به مواضع حزب اتحاد کمونیسم کارگری با آن انتقادات مواجه می شود (موافقت یا مخالفت می کند) و یا مواضع حزب حکمتیست قبل از پیوستن حزب اتحاد کمونیسم کارگری را تکرار می کند؟

**تماس با اتحاد سوسیالیستی
کارگری**

wsu@home.se

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!



ساز و کارهای فرهنگی ارتجاعی مردسالاری، که متأسفانه جنبش کارگری هم به آن آلوده است، مبارزه کنند و این راهی ست بس دشوار که تنها بکمک پیشروان جنبش کارگری میسر است.

در طی سی سال حکومت جمهوری اسلامی، موقعیت زنان اسفناک تر از گذشته شده و بار پر مشقت بی حقوقی مطلق، رانده شدن به خانه ها، کارخانگی، نداشتن حق بیمه و ناامنی در کار و تن فروشی را بر شانه هایشان سنگینی میکند. این فلاکت ناشی از سیاست های نئولیبرالیستی و فشار فقر بر خانواده های کارگری، دور جدیدی از مبارزات کارگری را آغاز کرده است که هر روز اخبار اعتصابات کارگری را میشنویم و جامعه ایران می رود تا دستخوش تحولات طبقاتی شود که سرنوشت جمهوری اسلامی را رقم بزند. در این دور از مبارزات کارگری در ایران، اگر چه اعتراضات پرستاران و معلمین به شرایط سخت کاری و دستمزد زیر خط فقرشان برکسی پوشیده نیست و بطور کلی حضور زنان در اعتراضات همیشه چشمگیر بوده، اما زنان کارگر به دلیل پراکندگی و عدم انسجام و وجود دیدگاه های مردسالارانه هنوز نتوانسته گامی اساسی در جهت تثبیت خود در تشکل یابی حول گرایشی طبقاتی بردارند. یکی از دلیل مهم، الگوی تقسیم کار در جامعه مردسالار است که زنان را عهده دار کارهای خانه میداند حتی اگر آنان نیز شاغل باشند و اساساً وظیفه انجام کارهای خانگی و بچه داری را از خصایص زن میداند. این دیدگاه در بین کارگران وجود دارد و به همین خاطر زنان در متن جنبش کارگری کمتر حضور دارند که یکی از مهمترین موانع فعالیت زنان است.

در نظام سرمایه داری هم ارزش کار مزدی زنان کمتر از مردان است و هم باید مسئول کارهای خانگی باشند. در واقع هم در عرصه اقتصادی باید مشقت کار و دستمزد ناچیز را تحمل کند و هم در خانه کار بدون مزد انجام دهد که فشاریست مضاعف بر کرده زنان زحمتکش که دچار انواع و اقسام آسیبهای جسمی و روحی-روانی میشوند و قوانین زن ستیز و ضد کارگر جمهوری اسلامی نیز آنها را تشدید

زنان و مبارزه ی طبقاتی

در کشورهای سرمایه داری نظیر ایران زنان بیشتر در بخش های غیر ماهر صنایع و خدمات کار میکنند که دستمزد آنان در برابر کار برابر بیسیار کمتر از دستمزد مردان است و زنان کارگر که محرومترین قشر جامعه هستند مجبورند به شرایط استثمارگرانه و غیرانسانی بازارکار تن دهند تا بتوانند سهم بخورو نمیری را از ثروتی که تولید کرده اند را از آن خود کنند، و در این کوره راه طاقت فرسا نیز به سوء استفاده ی کارفرما تن دهند. بطور مثال برطبق گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر، در تولیدهای لباس واقع در خیابان ولیعصر و جمهوری، حقوق ثابت ماهیانه کارگران زن ۱۴۰ هزار تومان با بیمه و ۱۶۰ هزار تومان بدون بیمه هست و حقوق مردان در این کارگاه برای کار یکسان ۲۰ هزار تومان بیشتر است. اختلاف این دستمزدها بین کار زن و مرد به گفته کارفرمای این کارگاه، به طور متوسط ماهیانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان است.

زن کارگر فقیرترین و محروم ترین بخش نیروی کار است که از هیچگونه حمایتی برخوردار نیست و همیشه اولین قربانیان ارتش ذخیره کار است. زنان بعنوان نیمی از نیروی کار نظام سرمایه همواره مورد بهره کشی و استثمار سرمایه و نیز زیر سلطه مردان و قوانین و فرهنگ مردسالارانه به سر میبرند.

این معضل فعالیت زنان را در عرصه های مختلف، بخصوص در پیوستن به مبارزات کارگری محدود و گاهی غیر ممکن میکند. با اینکه ستم برزنان، ستمی ست طبقاتی و رفع آن درگرو پیروزی طبقه کارگر و نابودی کل سرمایه است؛ و رفع معضلات اقتصادی و سیاسی زنان در گرو همبستگی با کل جنبش کارگریست و سرنوشت آنها با کارگران مرد یکی ست؛ اما تحقق این اتحاد کارچندان آسانی نیست و زنان ناگزیراند برای اینکه بتوانند درمیدان مبارزه طبقاتی حرکت کنند با

میکند.

بنابراین زنان کارگر بخاطرستم مضاعفی که برآنان روا میشود از محرومترین اقشار جامعه هستند و بمراتب بیشتر از همتایان مرد خود مورد استثمارند و برای رفع این ستم به حمایت همزمان مرد خود نیازمندند تا در یک جبهه واحد بتوانند مبارزات خود را علیه استثمارسازمان دهند و این امر وظیفه فعالین جنبش کارگری است که با این سنت های ارتجاعی مبارزه کنند و زمینه های فعالیت و اتحاد زنان را در اعتراضات سازمان دهند. فعالین آگاه کارگری میدانند که در صورت نادیده گرفتن زنان و یا کم بها دادن به آنان، بخش عظیمی از متحدین خود را از دست خواهند داد و این وظیفه مهم را به جنبش لیبرالی واگذار خواهند کرد که ضربات جبران ناپذیری را به جنبش کارگری وارد خواهد کرد و زنان مبارز کارگر ما نیز میدانند که شرط پیروزی و رهایی از محرومیت و استثمار در گرو مرتبط شدن با جنبش کارگریست، بهر حال ایجاد چنین پیوندی آسان نیست و نیاز به پیگیری فراوانی دارد.

اگر رهایی زنان بدون کمونیسم قابل تصور نیست، کمونیسم نیز بدون رهایی زنان قابل تصور نیست. دیدگاهی که بسیاری از ما نیز همچنان آنها درک نکرده ایم.*

زننده باد انقلاب کارگری!

پرونده ستار بهشتی را دنبال می‌کنند، چه خاکی بسر خود بریزند.

آدمکشان رژیم اسلامی باید بدانند و مطمئننا بخوبی می‌دانند که یورش به فعالین کمیته هماهنگی خللی در اراده آنها در اعتراض به اوضاع از هر نظر نابسامان کارگران ایران ایجاد نخواهد کرد. فعالین و اعضای کمیته هماهنگی می‌دانند که هیچگاه فعالیتشان مانند امروز بر خواست و تمایلات ده‌ها میلیون کارگران ایران منطبق نبوده است. فعالین کمیته هماهنگی می‌دانند که پس از قتل عام مخالفین رژیم اسلامی در دهه شصت هیچگاه اوضاع سیاسی و اقتصادی و بحران حکومتی ایران آماده برای یک عروج عظیم طبقاتی کارگران علیه دهها سال بختک رژیم اسلامی نبوده است. فعالین کمیته هماهنگی می‌دانند که مسئله تنها یافتن راهها و روشهایی است که با امکانات عملی فعلی جنبش کارگری ایران منطبق باشد تا این تحول عظیم را متحقق کند. اگر تاملی و درنگی است برای یافتن این راه و روشها و همچنین همکاری با دیگر فعالین جنبش کارگری در این برهه حساس تاریخی است. کمیته هماهنگی دوشادوش و دست در دست دیگر فعالین جنبش کارگری می‌تواند منشا این حرکت تاریخی طبقه کارگر ایران شود. همه اینها ضروری ساخته است تا فعالین کمیته هماهنگی بیش از پیش مانع هر گزندی به تشکیلاتشان شوند و متحدانه سهم خود را برای عبور جنبش کارگری از این دوره که زندگی در آن شایسته هیچ بشری نیست، ادا کنند. به امید آن روز.*

دستگیری فعالین کارگری در اوضاع متحول کنونی

رضا مقدم، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۲

غضب کارگران می‌افزاید و باعث محبوبیت فعالین کارگری در میان توده های کارگر میشوند. امروز که رژیم اسلامی بر اقیانوسی از نفرت مردم نشسته دستگیر شدن فعالین کارگری تبدیل به یک ارزش اجتماعی شده است. دستگیری ها، فعالین کارگری را از جنبش کارگری نخواهد گرفت بلکه باعث استحکام رابطه آنها با کارگران می‌گردد و به ویژه آنها با ادامه فعالیت خود از زندان نظیر اعتراضات شجاعانه رضا شهبانی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، خود الهام بخش دیگر کارگران برای ادامه مبارزه و شکستن جو اختناق و دیکتاتوری میشوند. آدمکشان رژیم اسلامی سودی از کشتن ستار بهشتی نبرند. با قتل ستار بهشتی یکبار دیگر در جهان نام رژیم اسلامی بدرست با شکنجه و جنایت توأم شد. ستار بهشتی به سبب شجاعت و به ریشخند گرفتن شکنجه آدمکشان اسلامی تبدیل شده و اکنون که نزدیک به دو ماه از این جنایت هولناک می‌گذرد، جناحها، ارگانها و قوای سه گانه و از هم گسیخته رژیم اسلامی هنوز نمی‌دانند که در مقابل چشمان نظاره گر جنبش کارگری و انظار مردم آگاه جهان که

پس از دستگیری حدود ۶۰ نفر از فعالین کمیته هماهنگی در روز جمعه ۲۶ خرداد امسال، نیروهای وزارت اطلاعات رژیم اسلامی در روز چهارشنبه ۲۹ آذر ۵ نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری به نامهای جمال میناشیری، ابراهیم مصطفی پور، قاسم مصطفی پور، هادی تتومند و محمد کریمی را دستگیر کردند. ماموران رژیم پس از دستگیری این ۵ فعال جنبش کارگری برای تفتیش به منازل آنها رفتند. در اعتراض به دستگیری این فعالین کارگری، روز یکشنبه سوم دیماه خانواده های آنها در مقابل اداره اطلاعات بوکان تجمع کردند و خواهان ملاقات با عزیزان خود شدند.

کارگران ایران در یکی از اسفناک ترین دوران حیات خود بسر می‌برند. جهنمی که رژیم اسلامی برای زندگی کارگران ساخته و قتلگاهی که برای کار آنها ایجاد کرده منشا اعتراضات و مبارزات کارگران است. سربازان گنم امام زمان با دستگیری، شکنجه و کشتن فعالین جنبش کارگری قادر نیستند مانع مبارزات آنها بشوند بلکه بر خشم و

سوسیالیست در عرصه سیاسی ایران خدمت نماید.

با توجه به همه محدودیت ها، تلویزیون به پیش دستکم در ابتدا عمدتاً فعالان کارگری و سوسیالیست را مخاطب خود می‌شمارد و به این اعتبار فعالیت این تلویزیون را بدوا جزئی از پروسه همفکری و راه جویی فعالان سوسیالیست طبقه کارگر می‌شمارد. از این رو، امید ما این است که همه فعالان سوسیالیست جنبش کارگری تلویزیون به پیش را از آن خود بدانند، نظرات شان را از این تریبون به هر شکلی که درست می‌دانند طرح کنند، و برای بهبود کیفیت و افزایش کمیت برنامه ها ما را یاری دهند.*

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

۲۴ اکتبر ۲۰۱۲

tv.bepish@gmail.com

کانال تلویزیون به پیش در یوتوب :

[http://www.youtube.com/user/](http://www.youtube.com/user/kehsaan?feature=watch)

[kehsaan?feature=watch](http://www.youtube.com/user/kehsaan?feature=watch)

های کارگر و زحمتکش سلب میکند، در شرایطی که حاد شدن تنش های منطقه ای و بین المللی بلافاصله حیات اقتصادی و سیاسی ایران را متلاطم می‌کند، و در شرایطی که واگرایی جناح های رژیم کلیت نظام اسلامی حاکم را از درون در مرز فروپاشی قرار داده است، تنها مبارزه متحد طبقه کارگر می‌تواند تنها راه تأمین نان و آزادی برای توده زحمتکشان و تهیدستان را نشان دهد. در برابر چنین اوضاعی، طبقات بالادست طیف رنگارنگ آلترناتیوهای خود را، از همراهی با قدرت های امپریالیستی گرفته تا وعده اصلاح شدن رژیم اسلامی، وسیعاً طرح کرده اند و به اشکال مختلف تبلیغ می‌کنند، اما آلترناتیو سوسیالیستی کارگران هنوز در عرصه وسیع سیاسی حتی طرح نشده است، چه برسد به اینکه به درجه ای مقبولیت اجتماعی یافته باشد. هدف تلویزیون به پیش این است که در این شرایط حساس به سهم خود به طرح مشی سیاسی سوسیالیستی کارگران کمک کند و به شکل گرفتن صدای مستقل و رسای کارگران

آغاز برنامه ی تلویزیون آزمایشی به پیش!

تلویزیون به پیش با پخش برنامه های آزمایشی بر روی اینترنت آغار به کار خود را اعلام می‌کند. در طول این دوره آزمایشی خواهیم کوشید تا به حداقل قابل قبولی از مهارت فنی لازم برای راه اندازی یک کانال تلویزیونی دست بیابیم، تا به مجرد اینکه امکان تولید مستمر دستکم یک ساعت برنامه در هفته را کسب کردیم، برنامه های منظم تلویزیون به پیش را از طریق ماهواره پخش کنیم.

علیرغم نیروی به شدت محدود، تنگنای مالی، و نداشتن مهارت های فنی اولیه، آنچه ما را واداشت تا راه اندازی یک کانال تلویزیونی را در دستور کار فوری بگذاریم همانا وضعیت بحران اقتصادی و سیاسی ایران است. در شرایطی که از هم گسیختگی اقتصادی امکان گذران زندگی ساده را از میلیون ها خانواده

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

Be Pish!

NO : 78
WEEKLY PAPER OF WORKERS
SOCIALIST UNITY-IRAN
WWW.WSU-IRAN.ORG

News - Political

Dec. 2012

رضا شهابی باید بدون قید و شرط مداوا شود

آن موارد افزوده می شود. حدود یک ماه پیش ستار بهشتی کارگر وبلاگ نویس در نتیجه ی شکنجه های وحشیانه و شدید جانباخت و جنابیتی دیگر به دست ماموران رژیم اسلامی رقم خورد.

رضا شهابی کارگری که تنها به دلیل فعالیت در سندیکای رانندگان تهران و حومه چند سال است در زندان به سر می برد، به دلیل مشکل جسمی از ناحیه گردن که در دوران بازجویی ها و ضرب و شتم ها برایش ایجاد شده، نیاز مبرمی به درمان دارد، اما دستگاه امنیتی رژیم هر بار به بهانه ای از معالجه ی او سرباز می زنند و همچنین خانواده ی او نیز تحت فشار اقتصادی قرار دارند و این مسئله نیز فشار روحی مضاعفی برای رضا شهابی است. بدین شکل او تحت فشار و شکنجه دائمی قرار داده اند. در این رابطه به هر شکل ممکن باید خبر رسانی و اعتراض کرد تا حاکمان نتوانند به هر شیوه ای با کارگران آگاه و مبارز رفتار کنند.

زنده باد سوسیالیسم
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری
۲۳ دسامبر ۲۰۱۲

وضعیت جسمی کارگر زندانی در بند، رضا شهابی، بحرانی است و دستگاه امنیتی رژیم اسلامی نه تنها برای بهبود وی کاری انجام نمی دهند بلکه با فشار و آزار وی باعث تشدید بیماری او شده اند. در بیمارستان پزشکان تشخیص داده اند، لازم است آزمایش های بیشتری در مورد وی انجام شود، اما ماموران امنیتی نه تنها این اجازه را ندادند بلکه با توهین و تهدید رضا شهابی را به زندان منتقل کردند. در واکنش به بدرفتاری ماموران امنیتی رضا شهابی دست به اعتصاب غذا و دارو زده است. وضعیت جسمی این کارگر عضو هیئت رئیسه سندیکای رانندگان شرکت واحد تهران و حومه، وخیم است و دستگاه امنیتی سعی دارد با فشارهای روحی و جسمی او را در هم بپوشاند. رضا شهابی باید بدون قید و شرط معالجه شود و مسئولیت هر گونه صدمه به رضا شهابی تماماً با رژیم اسلامی است. طی سال های گذشته بسیاری از کارگران مورد بازداشت و شکنجه قرار گرفته اند و هر روز بر تعداد

فاجعه ی کشتار کارگران طبس، جنگ علیه کارگران!

کارگر توسط حکومت سرمایه جمهوری اسلامی با زندانی شدن و با اعدام گردیدند. نه تنها هیچ تشکل واقعی طبقه کارگر تا کنون به رسمیت شناخته نشده، بلکه شدیداً مورد سرکوب و یورش دستگاه های امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. و همین چند روز پیش پنج تن از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در بوکان دستگیر شدند. یکی از مطالبات همیشگی کارگرانی که در بند هستند و یا متشکل می شوند، فراهم شدن امکانات ایمنی در محیط کار و رعایت موارد و مسائل ایمنی است. اما سرمایه داران و صاحبان قدرت که اشتهایشان برای کسب سود بیشتر پایان ناپذیر است کمترین هزینه را به موارد ایمنی و امکانات در این رابطه اختصاص می دهند.

کارگران!

این شرایط یک جنگ تمام عیار علیه ما است. این جنگ علنی سرمایه داران برای تامین منافعشان است. این جنگ یک جنگ طبقاتی علیه ما کارگران است. نمی توان و نباید دست روی دست گذاشت. تنها راه ما اتحاد و سازماندهی است. بدون تشکل کارگری و بدون اتحاد طبقاتی نمی توان با سرمایه داران زانو صفت مبارزه کرد. سالی هزار هشتصد و بیست و پنج کشته فقط در اثر حوادث کار!! آیا این یک کشتار وسیع و علنی نیست؟ کشته شدن کارگران معدن طبس اولین کشتار کارگران نیست و آخرین آن نیز نخواهد بود، باید ببیندیم که کی نوبت ما فرا می رسد؟ چرا سرمایه داران مجاز هستند تا به هر طریق ما را استنمار کنند و برای ما گورهای دسته جمعی آماده کنند. ما کارگران باید بدانیم که جنگ یک طرفه معنا ندارد، باید از خود دفاع کنیم، باید این نظم گندیده و پوسیده را به زباله دان تاریخ بیفکنیم!

اتحاد سوسیالیستی کارگری ضمن تسلیت به خانواده کارگران کشته شده، به سهم خود کشتار کارگران معدن طبس را محکوم می کند و خواهان معرفی و مجازات آمران و عاملان آن است.

سرنگون باد رژیم اسلامی
زنده باد انقلاب کارگری
کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری
۲۴ دسامبر ۲۰۱۲

چند روز پیش هشت کارگر معدن در طبس بر اثر ریزش معدن و عدم وجود امکانات ایمنی محیط کار کشته شدند. از این دست اخبار هر سال و هر ماه شنیده می شود و به امری روزمره تبدیل شده است. مثل همیشه نه مقصری معرفی و مجازات می شود و نه تغییری در شرایط ایمنی کار ایجاد می شود. در همه ی کشورهای سرمایه داری حوادث کار از میان کارگران قربانی می گیرد، اما ایران از جمله کشورهایی است که حوادث محیط کار قربانیان بسیار بالایی دارد.

مطابق آمار رسمی پزشکی قانونی ایران به طور متوسط روزانه، پنج کارگر در اثر حوادث کار در ایران جان می بازند، که سالیانه می شود ۱۸۲۵ نفر. در ارتباط با نقص عضو ها و تعداد کسانی که زخمی می شوند و یا دچار دیگر مشکلات جسمی می گردند آماری در دست نیست. اما مسلماً تعداد آنها از تعداد کشته شدگان بیشتر است. در کنار اینها خانواده هایی که در نتیجه فشارهای اقتصادی و بیکاری متلاشی می شوند و یا شدیداً صدمه می بینند نیز بسیار زیاد است. خانواده هایی که ناچارند برای گذران امر زندگی شان کودکان خود را به خیابان ها و یا محیط های کار بفرستند افزایش چشمگیری داشته و تعداد کودکان کار و خیابان به مرز یک میلیون نفر رسیده است. میانگین طول عمر در بین کارگران و زحمتکشان کاهش یافته و مطابق آمار از هر پنج کودک ایرانی سه نفر سوء تغذیه دارد، که طبیعتاً این کودکان فرزندان طبقه کارگر و دیگر مردم تهی دست و زحمتکش هستند. حداقل دستمزد ۳۹۰ هزار تومان تعیین شده در صورتیکه مطابق معیارهای حتی خود رژیم برای یک زندگی بخور و نمیر که خط فقر نامیده میشود حدود یک و نیم میلیون در ماه لازم است.

بطور دائم تعدادی از کارگران که تلاش داشته اند از منافعشان دفاع کنند و اقدام به ایجاد تشکل کارگری نموده اند، یا در زندان به سر می برند و یا مورد آزار و پیگرد قرار می گیرند. طی سی سال گذشته هزاران